

یاران روحانی

با تقدیم تحیات امنع ابھی

میدانیم که قدرت در دنیای امروز در عرصه های گوناگون خودنمایی مینماید و همواره با مفاهیمی مانند تسلط، خشونت، استیلاء، زور و اجبار و... شناخته میشود در برنامه ای که تحت عنوان "مفهوم جدید قدرت" تهیه و پیشنهاد گردیده است سعی بر آن است تا با توجه به بیانات مبارکه و هدایات بیت العدل اعظم الهی با مفهوم جدید قدرت آشنا گردیم و با تکیه بر این نگرش روابط فردی و اجتماعی خویش را مورد دقت و در صورت لزوم بازاندیشی قرار دهیم.

در قسمت شور و مشورت میتوانیم در موارد زیر تأمل نمائیم

با توجه به هدایات بیت العدل اعظم تا چه حد موفق شده ایم درباره مفهوم قدرت بازاندیشی کنیم؟  
جلوه های عملی آن، چگونه در روابط فردی و اجتماعی ما ظاهر میشود؟

جاننان خوش باد

بیت العدل اعظم الہی در پیام ۱۲ اسفند ۹۱ میفرمایند:  
قدرت، در اصل، قابلیت است نامحدود برای ایجاد تقلیب و تحوّل که در تمامیت نوع انسان جای دارد.  
فرایندهای سیاسی مانند سایر فرایندهای زندگی نباید از تأثیر قوای روح بشری از جمله قدرت وحدت و  
یگانگی، قدرت عشق و محبت، قدرت خدمت خاضعانه، و قدرت اعمال خالصانه بی بهره بماند.

عنوان: مفهوم جدید قدرت

قسمت روحانی

۱- مناجات شروع

۲- مناجات دوم

۳- بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

۴- بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵- بیانات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله

۶- قدرت، قابلیت است نامحدود برای ایجاد تقلیب و تحوّل

۷- بهترین و مؤثرترین طریق خدمت به بشریت

۸- قسمتی از پیام رضوان ۲۰۱۲

۹- نگاه تازه ای به قدرت

۱۰- قدرت نهفته در یگانگی نوع بشر

۱۱- برنامه نونهالان و نوجوانان عزیز

۱۲- شور و مشورت

قسمت اجتماعی

۱۳- انس و الفت

۱۴- مناجات خاتمه

## ۱- مناجات شروع

### الها سلطانا ملکا

این بضاعت مُزجاء به اسمت معروف، اورا به قدرتت برافراز. جمیع السن، به قوتت ناطق و به اقتدارت معترف. از این قطره، نهر ثروت جاری فرما و از بحر فضل، امواج غنا. توئی مقتدری که یک قبضه خاک را بر افلاک مقدم داشتی. این عباد را در ظلّ سدرهٔ عزّت مأوی ده و از امطار فضل و عطایت، بر ایشان بیار. توئی قادر و توانا، لا اله الا انت المقتدر العليم الحکیم.

آیات الهی ج ۲ ص ۱۰۵

## ۲- مناجات دوم

### الها معبودا مسجودا

به یک کلمه از کلمات علیا ارض و سما را خلق فرمودی و به یک قطره از دریای جودت، وجود را موجود نمودی. توئی مقتدری که قوت و قدرت جبارۀ ارض و فراعنهٔ بلاد تو را از اراده منع نمود. ای کریم فقیری به بابت توجه نموده و ضعیفی به حبل اقتدارت تمسک جسته از تو کرم قدیمت را می طلبد و عفو جدیدت را سائل و آمل. او را از دریای فضل محروم منما و از کوثر زندگانی ابدی ممنوع مساز. توئی قادر و توانا. ای پروردگار ذرات عالم بر غنایت گواهند و بر فضل مقرر و معترف، آیا مثل تو غنی مثل منی فقیر را محروم می نماید؟ حاشا و کلا. أشهد و يشهد کُلّ الاشياء بأنک أنت أکرم الأکرمین وأرحم الراحمین.

ادعیه حضرت محبوب، صص ۳۳-۳۴۰

### ۳-بیانات مبارکه حضرت بهاء الله

ای اهل دیار الهی ، انشاء الله ثابت و مستقیم باشید . شما از عناصر قویّه قدیره غالبه مهیمنه محیطه ظاهر شده‌اید . این مقام بلند اعلی را از دست مدهید . به حبل قدرت متمسک باشید و به ذیل عنایت متشبث . امروز باید شأن هر صاحب وجودی ظاهر و هویدا گردد ، چه که امروز روز حشر اکبر است و نشر اعظم . هر مکنونی به شهود آید و هر مستوری واضح و آشکار گردد . امروز آن روزی است که لسان رحمن در فرقان خبر داده : **يَا بَنِيَّ إِنَّهَا إِن تَكُ مَثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا...** . جهد نمائید تا اعمال طیبه و اخلاق مرضیه و استقامت کامله در امر مالک بریه از شما ظاهر شود .

آیات الهی ج ۱ ص ۲۷۰

یا اغصانی ، در وجود قوت عظیمه و قدرت کامله مکنون و مستور ، به او و جهت اتحاد او ناظر باشید ، نه به اختلافات ظاهره از او .  
آیات الهی ج ۲ ص ۲۷۵

### ۴-بیانات مبارکه حضرت عبدالبهاء

ای آیت محبت الله ، اقتدار در عالم جسمانی امریست اعتباری بلکه اقتدار روحانی مطلوب تا در ظل سلطان حقیقی قدرت بنمائی و چنان قلوب را مسخر کنی که مانند روح در عروق و اعصاب سریان نمائی . اینست اقتدار ، اینست فضل پروردگار ، اینست موهبت آمرزگار .

منتخباتی از مکاتیب ۲ ص ۱۲۱

ای مقتدر ، دلیل اقتدار خضوع و خشوع و تذلل و انکسار به درگاه حضرت پروردگار است . عبودیت ابرار عین سلطنت و اقتدار است و الا هر قدرتی ، ضعفست و هر قوتی ، ناتوانی محض . تا توانی در مقام تبطل و تضرع و ابتهال و عجز و نیاز استقامت و استقرار نما تا پرتو قدرت از شمس حقیقت در آئینه سینه اشراق نماید .

منتخباتی از مکاتیب ۲ ص ۱۲۳

## ۵-بیانات مبارکه حضرت ولی محبوب امرالله

"باید همواره به خاطر داشت که نکته اساسی در امرالهی اقتدار مستبدانه نیست، بلکه دوستی همراه با فروتنیست، قدرت استبدادی نیست، بلکه روحیه مشورتی صادقانه و محبت آمیز است. هیچ چیز جز روحیه یک بهائی واقعی نمی تواند این امید را بدهد که بتوان اصول شفقت را با عدالت، آزادی را با اطاعت، مقدس بودن حق فرد را با از خود گذشتگی درآمیخت و هوشیاری، بصیرت و تدبیر را با رفاقت، صراحت بیان و شجاعت آشتی داد." (ترجمه)

کتاب "نظم اداری بهائی پیام مورخ ۱۸ جولای ۲۰۰۰"

## ۷-بهترین و مؤثرترین طریق خدمت به بشریت

بهائیان باید از کشیده شدن به ورطه تبعیت از گرایش های متداول در گفتمان جاری از جمله گرایش به ایجاد دوگانگی، گرفتاری در دام رقابت برای کسب قدرت، و درگیر شدن در مباحثه لجوجانه که مانع یافتن راه حل های عملی برای مشکلات عالم است، احتراز جویند. بهترین و مؤثرترین طریق خدمت به بشریت کنار نهادن مجادلات حزبی، توسل به اقدامات مشترک که از بهترین شواهد علمی موجود بهره برده و بر مبنای اصول روحانی استوارند، و بازبینی دقیق و اصلاح آن اقدامات در پرتو تجربیات کسب شده است. تمرکز دائم بر ایجاد و بزرگ نمایی تفاوت ها به جای تکیه بر نکات مورد اتفاق نظر، به اغراقی منجر می شود که به خشم و سردرگمی دامن زده، قابلیت و اراده حل مسائل حیاتی را زائل می کند.

ترجمه ای از نامه دارالانشاء بیت العدل اعظم خطاب به سه نفر از احبباً مورخ ۲۹ نوامبر ۲۰۱۷

## ۶- قدرت، قابلیت است نامحدود برای ایجاد تقلیب و تحوّل

.... درک ماهیت آن روابطی که فرد، جامعه و مؤسّسات اجتماع، یعنی سه بازیگری را که همواره در صحنه تاریخ گرفتار کشمکش بر سر کسب قدرت بوده‌اند به هم پیوند می‌دهد، مسئله‌ای مهم و اساسی در فرایند یادگیری است. در این بستر، پیش فرضی که روابط بین سه اجراکننده مزبور را لزوماً تابع مستلزمات رقابت می‌داند و قدرت‌های عظیم و نهفته روح انسانی را نادیده می‌گیرد، کنار گذاشته شده و به جای آن پیش فرضی واقع‌بینانه‌تر اتخاذ گردیده مبنی بر اینکه تعامل دوستانه و هماهنگ این سه می‌تواند مروج تمدنی باشد که شایسته بشری بالغ است.... برای شکل‌گیری مجموعه روابط فوق‌الذکر به صورت الگویی از زندگی مبتنی بر اصل یگانگی نوع بشر، برخی از مفاهیم اساسی باید مورد بررسی دقیق قرار گیرد. عمده‌ترین آنها مفهوم قدرت است. بدیهی است که قدرت به معنای وسیله‌ای برای سلطه‌جویی و گرایش‌های ملازم آن مانند رقابت، مجادله، تفرقه‌جویی و تفوق‌طلبی باید کنار گذاشته شود. البته این بدان معنی نیست که کارکرد قدرت انکار شود زیرا حتی در مواردی که نهادهای اجتماع مأموریت و اختیارات خود را با رأی مردم کسب می‌کنند، قدرت در اعمال حاکمیت و مرجعیت مداخلت دارد. اما قدرت عنصری محدود نیست که باید ضبط و تصرف شود و مجدّانه محافظت گردد. قدرت، در اصل، قابلیت است نامحدود برای ایجاد تقلیب و تحوّل که در تمامیت نوع انسان جای دارد. فرایندهای سیاسی مانند سایر فرایندهای زندگی نباید از تأثیر قوای روح بشری از جمله قدرت وحدت و یگانگی، قدرت عشق و محبت، قدرت خدمت خاضعانه، و قدرت اعمال خالصانه بی‌بهره بماند. آیین بهائی همانند دیگر ادیان امیدوار است که نوع بشر از این قدرت‌ها بهره بیشتری گیرد. شکوفا نمودن، تشویق کردن، جهت‌بخشیدن، هدایت کردن و قادر ساختن از جمله واژه‌هایی هستند که با این مفهوم از قدرت بستگی دارند. جامعه بهائی ادعای کمال ندارد و به خوبی نیز آگاه است که راه درازی در پیش دارد تا تجربیاتش منجر به کسب بصیرت‌های لازم در باره این روابط گردد. داشتن آرمان‌های والا با پیاده کردن آنها در زندگی روزمره بسی متفاوت است. چالش‌های بی‌شماری در راه است و درس‌های بسیاری باید آموخت....

## ۸- قسمتی از پیام رضوان ۲۰۱۲

واضح است که بلوغ و تکامل فرد، جامعه و مؤسسات بسیار امیدبخش است ولی فراتر از این، با نهایت سرور شاهد آن هستیم که روابطی که این سه را به هم پیوند می دهد سرشار از محبت و حمایت متقابل است.

ولی روابط بین سه همتای این بازیگران در جهان - یعنی شهروندان، هیئت اجتماع، و نهادهای اجتماع - بالعکس نمایان گر نزاع و نفاقی است که از خصوصیات مرحله متلاطم انتقال و تحول می باشد. این سه بازیگر که مایل نیستند به مثابه اجزای وابسته یک کلیت ارگانیک عمل نمایند، در چنگ تلاشی بیهوده و بی ثمر برای کسب قدرت اسیرند. چقدر متفاوت است اجتماعی که حضرت عبدالبهاء در الواح و خطابات بی شمار خود ترسیم فرموده اند، اجتماعی که در آن جمیع روابط، از تعاملات روزانه گرفته تا مناسبات میان کشورها، بر اساس آگاهی از وحدت نوع انسان استوار است. هم اکنون بهائیان و دوستانشان در دهکده ها و محله ها در سراسر جهان به ایجاد و ترویج روابطی قائمند که مشحون از این آگاهی است و روایح جان بخش هم کاری و الفت و محبت از آن به مشام می رسد. در چنین فضای بی تکلف و بی ادعایی، به جای کشمکش ها و درگیری های رایج در اجتماع، گزینه ای مشهود در حال ظهور و بروز است. بدین ترتیب آشکار می گردد که فردی که مایل است به نحوی مسئولانه به ابراز عقاید شخصی خود پردازد در مشورت هایی که هدف آن ترویج خیر عمومی است متفکرانه شرکت می کند و از وسوسه اصرار بر عقاید شخصی دوری می جوید. مؤسسات بهائی با آگاهی از ضرورت اقدام هماهنگ برای حصول نتایج سودمند، هم خود را صرف تربیت و تشویق می کنند نه کنترل و سلطه جویی. جامعه ای که مایل است مسئولیت ترقی و پیشرفت خود را در دست گیرد اتحاد حاصله از مشارکت صمیمانه در اجرای نقشه های مؤسسات را سرمایه ای ارزشمند به شمار می آورد. تحت تأثیر ظهور حضرت بهاء الله، روابط بین این سه عامل، حیاتی تازه و صمیمیتی بی اندازه می یابد. این روابط در مجموع محیطی را به وجود می آورند که در آن به تدریج یک مدنیت روحانی جهانی که جلوه گاه الهامات الهی است شکوفا می گردد.

## ۹- نگاه تازه ای به قدرت

احتراز بهاء‌الله از خشونت به هیچ وجه تصادفی نبود. درُبن انتخاب بهاء‌الله فهمی متفاوت از قدرت و ماهیت آن قرار داشت. او برای «غلبه ظاهره» ارزش چندانی قائل نبود. آن را نتیجه فرعی و کم اهمیت «غلبه حقیقی» میدانست. به گفته او «هرگز سلطنت ظاهره نزد حق و اولیای او معتبر نبوده و نخواهد بود». قدرت مبتنی بر زور را پدیده ای لازم ولی نتایج آن را بسیار گذرا می‌شمرد.

از دیدگاه او، در نتیجه اجبار مبتنی بر خشونت، «چند صباحی مردم به حسب ظاهر تمکین مینمایند ولیکن به قلب همه معرض و مدبرند.

او قدرت حقیقی را چیزی نمی‌دانست که کسی یا گروهی بتواند آن را تصاحب کند یا علیه دیگران به کار برد. قدرت حقیقی متعلق به کسی یا بخشی از جامعه نیست، بلکه از دیدگاه او، قدرت به تمام جامعه تعلق دارد. نتیجه وجود چنین قدرتی در یک جامعه این است که قادر است برای حرکت به سوی مدنیته جدید خود را با کارآمدی متحول سازد. مثلاً جامعه ای میتواند حاوی این قدرت باشد که تبعیض نسبت به زنان یا بیسوادی و جهل را از درون خود ریشه کن کند، یا بلای خانمان سوز اعتیاد را رفع کند، یا با تغییر الگوی زندگی جمعی محیط زیست خود را حفظ کند. برای ایجاد این چنین قدرتی در جامعه، زور و سرکوب و خشونت چندان به کار نمی‌آیند، چرا که چنین قدرتی نتیجه هماهنگی و همکاری و همفکری میان همه اجزای جامعه است، نه اختلاف و اجبار.

او قدرت به این معنا را نتیجه گسترش دانش، گفتار پاک، کردار پسندیده به ویژه نیکوکاری و بردباری میدانست. «اعمال طیبه و اخلاق مرضیه جندالله اند برای این ظهور اعظم و همچنین کلمه طیبه مبارکه. این جنود جذاب قلوبند و فاتح ابواب مدائن. این سلاح آحد از سلاح عالم است

## ۱۲- مشورت

با توجه به هدایات بیت العدل اعظم تا چه حد موفق شده ایم درباره مفهوم قدرت بازاندیشی کنیم؟  
جلوه های عملی آن، چگونه در روابط فردی و اجتماعی ما ظاهر میشود؟



## ۱۰- قدرت نهفته در یگانگی نوع بشر

بهاء‌الله باور داشت که به دلیل بیماری اختلاف و تفرقه، قدرت بالقوه عظیم و مکنونی در جهان انسان از تحقق بازمانده است. همچنان که یگانگی و اتحاد باعث افزایش قدرت در جوامع میشود، دشمنی و عناد آن را کاهش میدهد. یک جامعه متشت و تفرقه زده، توان اندکی برای رفع چالشها و تحول و سازگاری خود با شرایط جهان نو دارد. هر آنچه بر منازعات میان احزاب، گروهها و کشورهای مختلف بیفزاید، آسیبی بر هدف جنبشی خواهد بود که مبتنی بر اصل یگانگی است. به همین دلیل بهائیان در مواجهه با چنین موقعیتهای مناقشه انگیزی بسیار محتاط هستند که مبادا خود عامل اختلاف بیشتر شوند و بر ضعف و بیماری جهان بیفزایند. اما احتراز از دامن زدن به اختلافات و تشدید تفرقه، چنانچه خواهیم دید، به معنای بی‌اعتنایی یا کناره‌گیری یا حتی بیطرفی در مناقشات روز نیست.

مقصود نهایی بهاء‌الله نه ایجاد قدرت در یک جامعه خاص بلکه ایجاد قدرتی بی‌پایان در تمامی نوع بشر بود تا با به‌کارگیری آن از دوران پراضطراب بلوغ خود گذر کند و تمدن جهانی تازه‌ای بیافریند. از این رو، غایت آیین خود را یگانگی نوع بشر قرار داد. باور داشت که مردم زمین میتوانند و میباید که مانند اعضای یک پیکر شوند. «عالم را به مثابه هیکل انسانی ملاحظه کن.» اعضای این پیکر یکسان نخواهند بود. هر کدام کار ویژه خود را خواهند داشت. اما همه در هماهنگی و سامان خواهند زیست. و از این هماهنگی، قدرتی عظیم به وجود خواهد آمد که به همه آنها تعلق خواهد داشت.

یگانگی نوع بشر در گفتار بهاء‌الله بیان آرزویی مبهم نیست. وقوع آن مستلزم تحولات فردی و اجتماعی معین و ضروری است. برابری زن و مرد؛ وحدت سیاسی جهان؛ آزادی عقیده و بیان و جستجوی واقعیت؛ ترک تعصبات دینی، نژادی، قومیتی و زبانی؛ صلح عمومی و ایجاد سازوکاری بین‌المللی برای داوری میان کشورها و جلوگیری از جنگ؛ ضرورت تربیت معنوی نوع بشر؛ وجود یک زبان و خط جهانی؛ عدالت اقتصادی؛ ضرورت انطباق علم و دین؛ و منع هر شکلی از اختلاف دینی از دید او برخی از مستلزمات اصل یگانگی نوع بشرند. تنها بعد از تحقق این مستلزمات است که میتوان عالم را هیکلی یگانه تلقی کرد.

از دیدگاه بهائیان ساختن چنین جهانی متحد تنها کار آنان نیست. «براستی تمدنی که بشریت را به سوی خود فرا میخواند تنها از طریق مساعی جامعه بهائی به وجود نخواهد آمد. گروهها و سازمانهای متعددی تحت تأثیر روح همبستگی جهانی... در استقرار تمدنی که مقدر است از میان اغتشاش و آشوب جامعه امروز ظاهر گردد سهیم خواهند بود.» با این حال، بهاء‌الله از بهائیان میخواست که در جریان استقرار این تمدن جدید مشارکت کنند و بسا که نقشی مهم و یگانه ایفا کنند